

مبانی و اصول پژوهش

در زبان و ادبیات فارسی

دکتر قدرت‌الله طاهری
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی



سرشناسه	طاهری، قدرت الله، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور	مبانی و اصول پژوهش در زبان و ادبیات فارسی / قدرت الله طاهری.
مشخصات نشر	تهران: نشر علمی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۹۳ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۳۰-۷ :
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۴۵۷.
موضوع	ادبیات فارسی - تحقیق - روش شناسی
موضوع	Persian Literature - Research - Methodology :
رده بندی کنگره	PIR۳۳۲۰/ط۲م۲ ۱۳۹۵ :
رده بندی دیویی	۸۰۷۲ : فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۱۲۹۵۱ :



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران - شماره ۱۲۱۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

مبانی و اصول پژوهش در زبان و ادبیات فارسی

قدرت الله طاهری

(عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۳۰-۷

مرکز پخش: انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - شهدای ژاندارمری - پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۵۱۱-۶۶۴۶۳۰۷۲

فهرست مطالب

فصل اول علوم انسانی و علم ادبیات	۱
ماهیت علوم انسانی و تمایز آن با علوم طبیعی	۱
۱- از حیث موضوع	۵
۲- از حیث روش	۸
۳- از حیث محقق	۱۱
الف انواع چشم‌اندازهای محققان (Perspectives)	۱۲
۱. بان	۱۲
۲. چهار بینی: بدنه‌های و نگرش علمی	۱۳
۳. وضعیت روانشناختی	۱۶
۴. اقلیم و منطقه جغرافیایی	۱۷
۵. جغرافیای انسانی (روستا، شهر، کلان شهر)	۱۸
۶. جنسیت	۱۹
۷. سن و سال و زمان	۱۹
ب. وحدت عالم و معلوم در علوم انسانی	۲۱
۴- از حیث نتایج و یافته‌ها (غایت‌مندی)	۲۲
تمایزات علوم انسانی با علوم طبیعی	۲۵
علم ادبیات	۳۰
پژوهشگر علم ادبیات	۴۶
یادداشت‌ها	۵۵
فصل دوم حوزه‌های پژوهشی زبان ادبیات فارسی	۶۱
مقدمه	۶۱
حاکمیت نظام پارادایمی در حوزه‌های علمی	۶۳
شکل‌گیری غیررسمی و ابتدایی نظام‌های علمی در پژوهش‌های ادبی	۷۰
ضرورت گزینش زمینه پژوهشی در تحقیقات ادبی	۷۲
مشکلات طبقه‌بندی زمینه‌های تحقیقات ادبی	۷۶
نگاهی گذرا به تاریخچه حوزه‌های علمی پژوهش در ادبیات	۷۹
مهمترین زمینه‌های مطالعاتی در پژوهش‌های ادبی	۸۱

۸۱	۱. نسخه‌شناسی و تصحیح متن
۸۵	۲. شرح و گزیده‌نویسی
۸۷	۳. مطالعات بلاغی و سبکی
۹۰	۴. مطالعات تاریخ ادبی
۹۳	۵. نگارش و تدوین مراجع ادبی
۹۵	۶. پژوهشی اسطوره‌شناختی و حماسی
۹۷	۷. مطالعات ادبیات غنایی
۹۹	۸. مطالعات ادبیات تعلیمی - تاریخی
۱۰۰	۹. مطالعات ادبیات عرفانی
۱۰۸	۱۰. مطالعات زبانی (زبان‌شناسی و دستور زبان)
۱۱۰	۱۱. مطالعات نظری و نقد ادبی
۱۱۷	۱۲. مطالعات ادبیات معاصر (شعر داستان)
۱۱۹	۱۳. مطالعات ادبیات تطبیقی
۱۲۲	۱۴. مطالعات بینارشته‌ای
۱۲۴	۱۵. مطالعات ترجمه
۱۲۶	۱۶. مطالعات ادبیات کودک و نوجوان
۱۲۹	۱۷. مطالعات ادبیات عامه
۱۳۱	یادداشت‌ها
۱۳۹	فصل سوم دستیابی به مسأله پژوهش
۱۳۹	مقدمه
۱۴۳	اهمیت و ماهیت مسأله علمی
۱۴۹	مسأله پژوهشی و زمان
۱۵۲	اصول دستیابی به مسأله پژوهش
۱۹۰	ملاک‌های ارزشمندی مسأله پژوهشی
۱۹۱	الف - اصالت
۱۹۶	ب - امکان انجام تحقیق
۱۹۸	طرح مسأله با دیگران
۲۰۰	تعریف مسأله و طراحی سؤالات پژوهشی
۲۰۶	یادداشت‌ها

فصل چهارم شناسایی و نقد پیشینه، طراحی برنامه پژوهشی و شناسایی و ارزیابی منابع.....	۲۱۱
خصلت انباشتی یا انقلابی بودن دانش‌ها.....	۲۱۱
بررسی پیشینه یا ادبیات تحقیق (Literature review).....	۲۱۵
چند اصل مهم در بررسی پیشینه تحقیق.....	۲۱۷
طراحی برنامه پژوهشی.....	۲۲۲
شناسایی و ارزیابی منابع پژوهش.....	۲۲۶
راه‌ها: شنابایی منابع پژوهش.....	۲۲۸
ضرورت ارزیابی منابع پژوهش.....	۲۳۲
چند معیار مهم ارزیابی منابع علمی.....	۲۳۳
یادداشت‌ها.....	۲۴۰
فصل پنجم گردآوری اطلاعات.....	۲۴۳
مطالعه انتقادی.....	۲۴۳
سطوح مطالعه در عالم ادبیات (نظریه علمی).....	۲۴۸
پیش شرط‌های مهم مطالعه انتقادی.....	۲۵۲
اصول و مراحل مطالعه انتقادی.....	۲۵۷
۱. کشف و سنجش مدعای نویسنده.....	۲۵۷
۲. کشف و سنجش دلایل مؤید ادعا.....	۲۷۰
۳. ارزیابی شواهد و نمونه‌های عرضه شده.....	۲۹۰
۴. ارزیابی کشف و شهود، تجربیات و مشاهدات شخص.....	۲۹۵
۵. ارزیابی استناد به مراجع.....	۲۹۷
اصول گردآوری اطلاعات.....	۲۹۹
چند دستور کار مهم در گردآوری اطلاعات.....	۳۰۴
یادداشت‌ها.....	۳۱۲
فصل ششم نگارش متن پژوهش.....	۳۱۷
مقدمات نگارش متن.....	۳۱۷
۱. مخاطبان متن علمی.....	۳۱۷
۲. شرایط روحی و روانی هنگام نگارش.....	۳۲۱
۳. تمرکز ذهن و سوق دادن قسمت عمده انرژی بر موضوع تحقیق.....	۳۲۲
۴. تخیل علمی.....	۳۲۴

۳۲۵.....	۵. کشف و شهود (Intuition) یا شکار لحظه‌ها.....
۳۳۹.....	۶. شجاعت علمی در طرح ایده‌های جدید و نقد آراء دیگران.....
۳۴۰.....	۷. دقت علمی.....
۳۴۲.....	۸. نداشتن دلبستگی بیحد و حصر به موضوع تحقیق.....
۳۴۷.....	اصول نگارش متن.....
۳۴۷.....	۱. نگارش متن با توجه به مسائل، فرضیات و «برنامه پژوهش».....
۳۵۷.....	۲. متن مبتدئ و مراحل تبیین علمی.....
۳۷۲.....	۳. بیان استنباطات و دریافت‌های شخصی از متون ادبی.....
۳۷۵.....	۴. خلافت در طرح ایده و دیدگاه‌های علمی شخصی.....
۳۷۸.....	۵. طبقه‌بندی و طبقه‌بندی مباحث.....
۳۷۹.....	۶. تبیین بحث و ایجاد تفاهیم از طریق تمثیل.....
۳۸۳.....	۷. تبیین بحث و ایضاح مفاهیم از طریق مقایسه.....
۳۸۴.....	۸. طرح سؤال مقدر و پاسخ‌دهی.....
۳۸۵.....	۹. نقد آراء و عقاید علمی دیگران.....
۳۹۰.....	۱۰. برخورد با باورهای کلیش‌های.....
۳۹۲.....	۱۱. دقت در کاربرد اصطلاحات علمی.....
۳۹۳.....	۱۲. احتیاط علمی و پرهیز از جزم‌اندیشی و صدور انکارهای علمی.....
۳۹۶.....	۱۳. ملاحظات در باب شیوه‌ها و معیارهای ارجاع به منابع و مستندات.....
۴۰۶.....	بازنگری و اصلاح مقدماتی.....
۴۰۷.....	دقت در حفظ انسجام متن علمی.....
۴۱۲.....	زبان متن علمی.....
۴۱۳.....	الف - ملاک علمی بودن گزاره‌ها در متن پژوهشی.....
۴۱۵.....	ب - سادگی زبان علمی.....
۴۲۰.....	ج - استواری و بی‌پیرایگی زبان علمی.....
۴۲۴.....	یادداشت‌ها.....
۴۲۹.....	فصل هفتم تدوین نهایی متن پژوهش.....
۴۲۹.....	مقدمه.....
۴۳۰.....	۱. عنوان تحقیق.....
۴۳۱.....	۲. رسم‌الخط و اصول نگارش.....

۴۳۳		۳. نگارش تقدیم‌نامه
۴۳۴		۴. نگارش تقدیرنامه (Acknowledgement)
۴۳۶		۵. نگارش چکیده و تعیین واژگان کلیدی
۴۳۸		۶. نگارش پیشگفتار
۴۴۱		۷. نگارش مقدمه
۴۴۳		۸. طراحی و تدوین فهرست‌ها
۴۴۵		۹. فصل‌بندی و صفحه‌آرایی
۴۴۷		۱۰. زین‌ن سرلوحه
۴۴۸		۱۱. بارخوانی پژوهش توسط دیگران
۴۵۱		منابع و مآخذ
۴۶۷		فهرست اعلام

پیش‌گفتار

از دوران رنسانس به بعد، ماهیت تلقی از دانش دگرگون و علم از «فضیلت» صرف که دارنده آن را از دیگران متمایز می‌کرد، به «ابزاری» برای اعمال «قدرت» دانشمند در طبیعت تبدیل شد. سرآغاز این تحول را از کتاب «ارغنون جدید» فرانسویس بیکن دانسته‌اند. اما از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، به ویژه قرن بیستم به این سو، ارزش و اعتبار دانش‌ها با توانایی آنها در ایجاد تکنولوژی و تولید ثروت سنجیده می‌شود. به همین دلیل، میان نهاد علم، نهاد اقتصاد و نهاد سیاست پیوندی ناگسستنی ایجاد شده و دسترسی به دانش‌های استراتژیک و در اختیار داشتن آنها به مآله بزرگ دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. قرن بیستم بیست و یکم نه یکی را واپس نهاده‌ایم و دیگری را تازه آغاز کرده‌ایم، بی‌هیچ شبهتی می‌تواند «عصر حاکمیت علم و فناوری» نامیده شود؛ عصری که نه تنها عوالم مادی را سراسر به محک علم و فناوری درآورد، بلکه امور کاملاً تجربیدی و متافیزیکی مانند ادیان، اسطوره‌ها، روح و روان آدمی، جامعه، تاریخ، سیاست، هنرها و از جمله جلوه‌های گوناگون ادبیات را نیز با همین محک مطالعه می‌کند.

صرف نظر از اینکه علم و فناوری چه منافع و مضراتی برای انسان معاصر به ارمغان آورده است، در این دوران به‌گونه‌ای اصول و معیارهای آلی تثبیت شده است که حتی سرسخت‌ترین مخالفان علم و روش‌های علمی نیز برای بیان دیدگاه‌های خود، چاره‌ای جز تبعیت از آن ندارند. به همین دلیل، کشورها با تأسیس مراکز علم و پژوهشی فراوان، «پژوهش» را در سرلوحه اهداف و برنامه‌های خود قرار داده‌اند و حتی به «آموزش» به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق اهداف پژوهشی می‌نگرند. در یکی دو دهه اخیر، در دامنه تحولات علمی در سطح جهان، خوشبختانه نظام آموزشی دانشگاهی ما در کنار «آموزش» اندازه‌ای به اندازه آن گرفته که البته نه در حد قابل قبول - به «پژوهش» نیز بها می‌دهد.

برای تحقق اهداف پژوهشی، تألیف منابع معتبر آموزشی که بتوانند بهای ذهنی و عملی پژوهش را در اختیار محققان جوان قرار دهند، گام مهمی است. در رشته ما - زبان و ادبیات فارسی - به دلیل اینکه در برنامه درسی «مرجع‌شناسی و روش تحقیق» به صورت توأمان آورده شده‌اند، اکثر قریب به اتفاق کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده‌اند، به معرفی «مراجع» توجه کرده و به صورت حاشیه‌ای به اصول تحقیق پرداخته‌اند. به احتمال پیش‌فرض نهفته در ذهن نویسندگان آثار مذکور این بوده است که تنها شرط لازم و کافی برای پژوهش در ادبیات، شناخت عناوین منابع و مراجع است. حال آنکه، شناخت منابع، تنها یکی از مراحل میانی تحقیق است و اگر پژوهش روشمندانه و مبتنی بر اصول علمی آغاز نشده باشد، اطلاع از منابع نیز چندان ثمربخش نخواهد بود. دسته دیگری از منابع آموزشی که در این زمینه نوشته

شده‌اند نیز، در حدّ مقدمات تحقیق مانند تعریف انواع و اقسام تحقیق، تعریف مسأله، طرّاحی سؤال و فرضیه، نگارش پیشینه (آنچه که در طرحنامه‌های دانشجویی دانشگاه‌ها آمده است)، معرفی پایگاه‌های اطلاعاتی جدید برای جستجوی مقالات و کتاب‌ها (این مورد هم مرجع-شناسی به شکل جدید است)، روش یادداشت‌برداری (فیش‌نویسی) و در نهایت روش‌های معمول «ارجاع‌دهی» به منابع و مآخذ باقی مانده‌اند. به زعم ما اگرچه دانستن این مقدمات برای پژوهشگران ادبی کاملاً لازم و بایسته است، ولی کافی نیست. بنابراین، بر خلاف یکی از اصولی که در این اثر بدان تأکید کرده‌ام؛ یعنی ضرورت احصا، مطالعه و نقد پیشینه پژوهش، به عمد از احاطه و بررسی کتب درسی کتب درسی در ادبیات چشم‌پوشی نموده‌ام.

به طرّحی رسد پژوهش علمی در ادبیات به چیزهایی بیش از آنچه در این درسی‌نامه‌ها آمده است، نیاز دارد. استاد عبدالحسین زرّین‌کوب که در سرآمدی و برجستگی ایشان در امر تحقیق و پژوهش تردیدی نیست، در سال ۱۳۳۷ یادداشتی تحت عنوان «تحقیق درست» در هشت صفحه نوشته و اصلی را یادآور شده بودند (ر. ک. زرّین‌کوب، ۱۳۷۹: ۹-۱۷) که می‌توانست الگویی برای نگارش کتب فزاینده در این تحقیق باشد؛ ولی دریغ که ملاحظات بسیار مفید ایشان مورد غفلت واقع شد و این اثر ناچار به البته اگر از عهدۀ حذاقلی آن کار برآمده باشد - برای طرح مفصل اصول مدّ نظر آن استاد نام به دوستان علم و ادب ایران تقدیم می‌شود. به همین دلیل، ضمن پاسداشت زحمات فراوان دو دسته از آثار پیش‌نگاشته و توصیه مؤکد خوانندگان و پژوهشگران جوان برای مطالعه و آشنایی با اصول و مطالب آنها، در این اثر بقصد وارد مباحث آثار مذکور نشده و دانستن مطالب آنها را برای خوانندگان خود مفروض گرفته‌ام.

در کنار تجربه چند سالۀ تدریس درس «سمیّار و روش تحقیق» در دورۀ کارشناسی ارشد، مجادله‌ای که در یکی از پیش‌نشرهای «کنگرۀ علوم انسانی» بین همکاران دانشگاهیم در **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی** در گرفت، بهانه‌ای شد تا در نگارش این اثر ناچیز مصمّم‌تر باشم. در آن نشست، پاره‌ای از استادان زبان و ادبیات فارسی هر چند سنّ و سالی بر آنان گذشته بود و خود در این رشته آثار قلمی داشتند و دروسی را سال‌ها به دانشجویانشان «آموزش» داده بودند، به جد در «علم» بودن ادبیات و ضرورت به کارگیری روش‌های علمی در پژوهش‌های ادبی تردید داشتند. شنیدن سخنان و ملاحظه «منظر و چشم‌اندازهای» آنان برایم شگفت‌انگیز بود. از آن ماجرا چند سالی گذشته است و در فاصله آن به کرات در محافل ادبی به سخنان و دیدگاه‌هایی از همان سنخ برخوردادم و ضمن تدریس روش تحقیق در ادبیات برای یافتن پاسخ‌های نسبتاً قانع‌کننده، به این ابهامات اندیشیده‌ام. به همین دلیل، در این اثر کوشیده‌ام ضمن آموختن اصول و مبانی تحقیق در ادبیات، از «علمیت» آن نیز با بهره‌گیری از نظریه‌های علمی - به ویژه فلسفۀ و تاریخ علم تا حدّی که در توان فهم خویش و حوصلۀ خوانندۀ فرضیم بوده - دفاع کنم و مراحل علمی تحقیق در ادبیات را با اتکا به نظریه‌های علمی مربوط به دیگر دانش‌ها، تبیین نمایم. مخاطب اصلی من در این کتاب دانشجویان دوره‌های

کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی هستند که تازه به وادی تحقیقات آکادمیک قدم می‌گذارند. با وجود این، تردید ندارم برای پاره‌ای از همکاران دانشگاهیم نیز مفید خواهد بود مشروط به اینکه کمی با حوصله و با همدلی به سراغ آن بیایند.

قسمت‌هایی از فصل نخست کتاب، با تمام اهمیتی که بر ساده‌سازی و ساده‌گویی آن داشته‌ام، کمی ثقیل و سخت‌خوان شده است. از خوانندگان محترم خواهشمندم با حوصله و تأملی بیشتر این قسمت‌ها را مطالعه نمایند تا مبانی و پایه‌های اصلی «علمیت تحقیقات در عالم علم ادبیات» را دریابند. برای تکمیل دانش در باب مطالب این فصل، توصیه می‌شود منابع اصلی را که به کرات به آنها ارجاع داده شده است، مطالعه کنند. عمده مباحث کتاب به جز شاهد مثال، بی‌بی که صرفاً از تحقیقات ادبی برگزیده شده‌اند و فصل «حوزه‌های پژوهش در زبان و ادبیات فارسی» برای دانشجویان و محققان سایر رشته‌ها، به خصوص رشته‌های علوم انسانی مفید خواهد بود.

در بخش‌های «وناگویی» کتاب، به جز مبانی نظری تحقیق که کمی به لحاظ ماهیت مباحث دشوار به نظر می‌آیند، به روش مآل می، مطالب را بعمد به ساده‌ترین شکل ممکن بیان کرده‌ام. با این هشدار که این اصول تنها در صورتی که تمام خواندن و شنیدن ساده‌اند ولی در مقام عمل بسیار دشوار و تعیین‌کننده هستند. زیرا، تحقق در اصل علم نیست، مهارتی است که در میدان عمل و با جدیت در کار و بر اساس آزمون و خطا و با صورت تدریجی آموخته می‌شود. لذا اصولی که مطرح کرده‌ام در واقع مجموعه‌ای از تجربیات آموخته و بیان‌شده‌ای هستند که تنها می‌توانند در حد پیشنهادهایی برای پژوهشگران مبتدی در نظر گرفته شوند تا آنان با تأسی از این اصول بتوانند گام‌های نخست تجربه علمی را مطمئن‌تر بردارند. به همین دلیل، اصراری ندارم خوانندگان همه دیدگاه‌هایم را لااقل برای همیشه بپذیرند. زیرا، در مراحل پختگی علمی، هر محقق راه و رسم علمی مخصوص به خود را پیدا می‌کند و بر این باورم که تقریباً شیوه علمی هیچ دانشمندی با همکارانش کاملاً یکسان نیست. با وجود این، تحقیق علمی دارای اصول و معیارهای عمومی و ثابتی است که دانستن و به کار بستن آنها برای پژوهشگران جوان الزامی است.

در نظام آموزشی ما که معمولاً روش‌های علمی پژوهش چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تا زمانی که دانشجویان و پژوهشگران جوان راه علمی خود را با آزمون و خطا پیدا کنند، باید دوران سردرگمی را بگذرانند، آموزش اصول اولیه پژوهش امری حیاتی است. به این دلیل ساده که محققان زودتر به دوره خلاقیت و تولید علمی وارد می‌شوند و از اتلاف وقت و انرژی آنان جلوگیری می‌گردد. اتخاذ روش علمی به اندازه‌ای ضرورت دارد که کلود برنار، دانشمند فرانسوی می‌گوید: «روش خوب می‌تواند راه‌های پرورش و به کارگیری قوای را که طبیعت به ما ارزانی داشته است، به ما بیاموزد، اما روش ضعیف ممکن است مانع بهره‌گیری مفید از این قوا شود. بدین ترتیب، نبوغ پژوهشگری که از ارزشی بس والا در علوم برخوردار است، ممکن

است با روشی ضعیف نقصان یابد یا حتی خاموش شود؛ در حالی که روش خوب می‌تواند بر آن بیفزاید و آن را پرورش دهد.» (به نقل از بورج، ۱۳۸۶: ۸)

ساختار کتاب به‌گونه‌ای است که قسمت‌های مختلف، زنجیره‌وار یا یکدیگر مرتبط هستند؛ یعنی تا زمانی که خواننده از نظر تنوریک ماهیت دانش و مکاتب علمی؛ به ویژه علوم انسانی و علم ادبیات را نیاموخته باشد، نمی‌تواند با مراحل بعدی ارتباط مؤثرتری برقرار کند. یافتن مسأله پژوهش، فرضیه‌سازی، طراحی برنامه پژوهشی، مطالعه پیشینه، شناسایی و بررسی نقادانه و گزینش منابع مورد نیاز، گردآوری اطلاعات، نگارش متن پژوهش و در نهایت تدوین نهایی متن به‌گونه‌ای به هم پیوسته‌اند که اگر یکی از مراحل به درستی انجام نگیرد، سرتاسر تحقیق را با بحران مواجه می‌سازد. به این دلیل ساده که پژوهش پروژه‌ای یگانه و واحد است و مراحل آن از یکدیگر مجزا نیستند. ضمناً یادآوری می‌کنم بعمد در ذکر شواهد مثال‌ها و به ویژه در بیان تاریخ تجارب فردی خود در امر پژوهش - به جز دو مورد - اجتناب و خواننده را به ملاحظه شواهد رنصه‌هایی که از کتب و مقالات دیگران گرفته شده است، هدایت کرده‌ام. تجارب شخصیم در کل فصل‌ها و صورت پوشیده بازتاب داشته و همه موارد برای خودم قابل اجرا بوده و در پژوهش‌های قبلی و نیز خویش؛ از جمله همین کتاب آنها را در حد توان به کار بسته‌ام و تا جایی که می‌توانسته‌ام به خدمت نرانده‌ام که خود عامل به آن نبوده باشم.

سخن آخر اینکه در رشته زبان و ادبیات فارسی اگرچه محققان برجسته‌ای در دوران جدید داشته‌ایم، اما بخش محدودی از تجربه و دانش علمی آنان تنها به صورت غیررسمی و از طریق ارتباطات حضوری به نسل‌های دیگر منتقل شده و نتایج ارزشمند آنان به ثبت نرسیده است. امید است این اثر ناچیز در حکم مقدمه‌ای باشد تا هر یک از دانشمندان علوم ادبی با تألیف آثاری غنی‌تر؛ به خصوص ثبت و ضبط «تجربه‌های فردی» خمش به انباشت دانش در این زمینه یاری رسانند. به جد باید اعتراف کنم برخلاف جامعه علمی غربی که «فلسفه و تاریخ علم» را در سه سده اخیر مجدانه پی‌گرفته‌اند و نیز هر دانشمند، استاد پژوهشگری حتی - المقذور روش‌های علمی خود را به صورت کتاب تدوین کرده است، در جامعه علمی ایران تقریباً در تمام رشته‌ها این امور مغفول مانده است.

با وجود لغزش‌های فراوان این اثر، از ارائه آن پشیمان نخواهم بود و به سخن آلبرشت دورر تمسک می‌جویم که گفته است: «گرچه دانسته‌هایم اندک است اما می‌خواهم آن را بشناسانم تا دیگری بهتر از من حقیقت را کشف کند و کاری را پی‌بگیرد که به رفع اشتباه من بینجامد و با این همه شادمان خواهم شد که علت کشف حقیقت بوده‌ام.» بنابراین، به دیده منت و سپاسگزاری دیدگاه‌های انتقادی و سازنده خوانندگان گرامی را در باب کلیات و جزئیات کتاب پیشاپیش می‌پذیرم و پس از دریافت آنها، با ذکر نام و نشان دقیق منتقدان و نکته‌گیران در چاپ‌های بعدی - اگر توفیق آن را داشته باشم - همه را اصلاح می‌کنم و از خداوندی که «واهب‌العلم» است و بر «افق مبین» ناظر بر پندار، گفتار و رفتار ماست، شکل‌گیری، رشد و

گسترش «نگرش انتقادی» را در جامعه علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران عزیز خواستارم؛ زیرا بر این باورم که جامعه الهی و انسانی، بدون استقرار و عمل به این نگرش برپا نمی‌شود و عامل اصلی شکل‌گیری هر تمدن پویایی در گرو وجود مبارک این امر است. لذا برای گام برداشتن در مسیر تحقق چنان جامعه‌ای اذعان می‌کنم که همگی باید در اظهار نظرهایمان کمی محتاط، در شنیدن‌هایمان اهل تسامح؛ ولی در بررسی‌هایمان موی شکاف و جدی باشیم.

تهران - تابستان ۱۳۹۵

Gh_taheri@sbu.ac.ir